

تحلیل و ارزیابی وثاقت راویان اسناد کامل الزیارات با تکیه بر آراء آیت الله خویی و آیت الله سبحانی

علی سلحشور (عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان) (نویسنده مسئول)

uok.ac.ira.salahshoor@

فروغ مرادیان (دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد)

forogh.moradian@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸)

چکیده:

در اصطلاح علم رجال، توثیقی که بر مبنای آن در یک حکم یا گزاره، عده‌ای مشمول وصف وثاقت از طرف عالم رجالی می‌گردند، توثیق عام نامیده می‌شود. توثیقات عام، یکی از ابزارهای پرکاربرد رجالیون است و تقریباً تمام رجالیون متقدم و متأخر از آن به عنوان یکی از شیوه‌های اثبات وثاقت زنجیره اسناد روایات بهره برده‌اند. از جمله: توثیق اصحاب اجماع، مشایخ ثقات، روایات ابن ابی عمیر، اسناد روایات تفسیر قمی و اسناد کتاب کامل الزیارات. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی یک مورد از مصادیق توثیقات عام تحت عنوان «وثاقت راویان اسناد کتاب کامل الزیارات» مطرح و به بحث پیرامون آن پرداخته شده است. از جمله دانشمندانی که دیدگاه خود را درباره این مورد از مصادیق توثیقات عام بیان کرده‌اند، آیت الله خویی و آیت الله سبحانی هستند که نظراتشان در این پژوهش، بیان و مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه به دست آمده این که دیدگاه آیت الله خویی درباره توثیق راویان اسناد کامل الزیارات به دلیل وجود راویان فاسد المذهب و کذاب در اسناد روایات، رد و دیدگاه آیت الله سبحانی در این زمینه تأیید می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: توثیق عام، کامل الزیارات، ابن قولویه، آیت الله خویی، آیت الله سبحانی.

۱- بیان مسأله

دغدغه احراز صدور حدیث از معصوم، سبب بوجود آمدن علوم مختلف در حوزه حدیث شده است. یکی از این علوم، علم رجال الحدیث است که ضمن بررسی احوال راویان حدیث



از حیث توثیق و تضعیف، قرائن و شواهدی دالّ بر کیفیت صدور حدیث از معصوم در اختیار حدیث‌پژوهان و دانشمندان این علم قرار می‌دهد. شناسایی وضعیت راویان و میزان اعتبار و اعتماد روایی به آنان در توصیفات و قواعد رجالی جلوه‌گر است و یکی از این قواعد رجالی، قاعده توثیق است که بخشی از آن شامل «توثیقات عام و خاص» می‌شود. در تعریف توثیق خاص و عام باید گفت: در اصطلاح رجالیون توثیق یک یا چند شخص با اسم و عنوان مشخص را توثیق خاص و توثیقی که با عناوین کلی بر فرد واحد یا افراد و مضادیق زیاد منطبق است، توثیق عام نامیده شده است. در شناخت توثیق عام و خاص توجه به این نکته مهم است که تبعیت از قاعده و ضابطه‌ای مشخص در توثیق عام یکی از وجوه تمییز آن با توثیق خاص است. برخی دانشمندان وثاقت همه راویان کتاب یا مشایخ مستقیم و بدون واسطه خود را ادعا کرده‌اند و از طرفی گاه روش یا برخی از ویژگی‌های مختص یک راوی به خاطر وجود برداشت‌ها و مبانی خاص، دلیل وثاقت وی قلمداد می‌شد و این شیوه سبب ایجاد منزلت و مقام برای راوی معاصر ائمه علیهم‌السلام می‌شد و گاه برخی از قواعد توثیق عام، افراد یک خاندان را در بر می‌گیرد. از جمله دانشمندانی که نظرات خود را درباره توثیقات عام بیان کرده‌اند، آیت‌الله خویی و آیت‌الله سبحانی بوده‌اند که نظراتشان توسط برخی شاگردان ایشان و دیگر رجالیون بررسی شده است. در این پژوهش سعی شده با بررسی نظرات این دو دانشمند به تحلیل و نقد آنها پردازیم. لازم به ذکر است اهمیت بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها در رابطه با توثیقات عام هنگامی ضروری جلوه می‌کند که رد یا پذیرش توثیقات عام در اعتبار حدیث و به تبع آن اطمینان بخشی مراجعه به آن تأثیرگذار باشد. دانشمندانی که به تحلیل و نقد توثیقات عام پرداخته‌اند، همیشه با این دغدغه مواجه بوده‌اند و هر کدام به بیان دیدگاه خویش پرداخته و با ارائه ادله لازم خواسته‌اند میزان اعتبار احادیث افرادی که در دایره شمول توثیقات عام قرار گرفته‌اند، بسنجند و تکلیف را در مواجهه با سندهای اینگونه مشخص نمایند. از مهمترین فوایدی که بر علم رجال مترتب است تأثیر بر طریق استنباط احکام شرعی است و چنانچه توثیقات و محدوده افراد تحت شمول مشخص نشود، نمی‌توان حکم شرعی را استنباط کرد. بنابراین پرداختن به این بحث از اهمیت زیادی برخوردار است. به عنوان مثال آیت‌الله خویی در مقدمه معجم رجال الحدیث با توجه به عبارات مقدمه ابن قولویه، وثاقت راویان اسناد کامل

الزّیارات را نتیجه گرفته و در برخورد با روایات این کتاب، وثاقت کلیه مشایخ وی را معتبر دانسته است. پس شایسته است با بررسی نظرات سایر رجالیون در این زمینه و مقایسه نظرات سایرین با دیدگاه ایشان، ملاک صحیحی در برخورد با این توثیقات ادعا شده، ارائه داد. بنابراین این پژوهش به دنبال آن است که به تحلیل و بررسی و تطبیق دیدگاه‌های آیت‌الله جعفر سبحانی در کلیّات فی علم الرجال و آیت‌الله خویی در معجم الرجال بپردازد.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد کتاب کامل الزّیارات تحقیقات متعدّدی صورت گرفته است که در اینجا به صورت دسته‌بندی شده اشاره‌ای گذرا به آنها خواهد شد:

الف) تحقیقاتی که به صورت کلی به معرفی کتاب کامل الزّیارات پرداخته است، مانند: مقاله «آشنایی با منابع دست اول شیعه: کامل الزّیارات از عبدالکریم پاک‌نیا. نگارنده پس از معرفی این کتاب و مؤلف آن، به صورت مختصر به بیان امتیازات و موضوعات کتاب می‌پردازد.

- مقاله «کامل الزّیارات» از سید مجید آب‌لشکری. نویسنده در این مقاله به معرفی ابن قولویه و کتاب کامل الزّیارات، تعداد ابواب و عناوین هر باب می‌پردازد و در خاتمه نیز تعدادی روایت در فضیلت زیارت پیامبر ﷺ و امام حسین، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام می‌آورد.

- مقاله «کامل الزّیارات نقطه عطفی در مزارنویسی» از جمعی نویسندگان (مهدی مهریزی، محمدباقر حجتی، محمدعلی ایازی و مهدی الوف). این پژوهش ضمن معرفی کتاب کامل الزّیارات به عنوان قدیمی‌ترین اثر نگارش‌یافته در زمینه مزارنویسی، به اثرپذیری و اثرگذاری آن نسبت به آثار قبل و بعد از خود اختصاص یافته است.

ب) برخی تحقیقات نیز به صحّت انتساب این کتاب به نویسنده آن، ابن قولویه پرداخته‌اند، مانند:

- مقاله «زیادات کامل الزّیارات و مسأله انتساب اثر به ابن قولویه» از مژگان سرشار. این پژوهش بر پایه فرضیه محمدباقر بهبودی حدیث‌پژوه معاصر در جهت اثبات امکان انتساب بخشی از کتاب به یکی از شاگردان ابن قولویه با نام «حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی» انجام گردیده است.



ج) برخی تحقیقات نیز به بررسی منابع و اسناد موجود در کتاب پرداخته‌اند، مانند: مقاله «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان» از سید موسی شبیری زنجانی که تا حدودی موضوع وثاقت راویان کتاب مزبور را در بوته نقد قرار داده است. نگارنده در این مقاله می‌نویسد که در مفاد شهادت ابن قولویه در مقدمه کتاب به وثاقت راویان دو دیدگاه وجود دارد: یکی وثاقت تمامی افراد واقع در این کتاب و دیگری وثاقت راویان بی‌واسطه. وی دیدگاه اول را مورد نقد و دیدگاه دوم را می‌پذیرد. اما در مقاله پیش رو، نگارنده بر اساس دیدگاه آقای سبحانی و آقای خویی و تطبیق نظرات این بزرگواران، دو دیدگاه را استخراج نموده و به بررسی هر دو دیدگاه پرداخته است. در ادامه هم دیدگاه سومى مبنی بر عدم دلالت عبارت کتاب ابن قولویه بر «توثیق» را آورده و تبیین نموده است.

۳- آشنایی با جعفر بن محمد بن قولویه و کتاب کامل الزیارات

مؤلف کتاب کامل الزیارات، شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای سال ۳۶۷ ق و یا ۳۶۹ ق) است. رجال نجاشی (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۲۳)، فهرست شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۰۹)، بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۱)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱: ۸)، سید ابن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۳۴/۱) و بقیه بزرگان امامیه به تواتر به وثاقت ایشان تصریح کرده‌اند (سبحانی، ۱۴۳۲: ۲۹۹). از اهل سنت نیز ابن حجر عسقلانی او را از بزرگان و علمای مشهور شیعه می‌داند. (ابن حجر، ۱۳۹۰: ۱۲۵/۲)

این کتاب از مهمترین کتاب‌های امامیه و از اصول مورد اعتماد حدیثی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۱). که مشتمل بر مجموعه روایات اهل بیت علیهم‌السلام درباره شیوه زیارت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام و امامزادگان و نیز ثواب و فضیلت آن می‌باشد. این کتاب شامل ۸۴۳ حدیث می‌باشد که در ۱۰۸ باب تنظیم شده و یکی ارزشمندترین مجموعه‌های حدیثی در زمینه زیارت و از منابع غنی عاشوراپژوهی می‌باشد که مهم‌ترین روایات این بخش را در خود جای داده است.

مؤلف انگیزه‌اش را از تألیف کتاب، تقرب به درگاه الهی و پیامبر و علی و فاطمه و ائمه علیهم‌السلام دانسته و خود می‌گوید: تلاش کرده‌ام با نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام و نقل ثواب زیارت آن

بزرگواران، به جمیع اهل ایمان هدیه‌ای تقدیم کرده باشم (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۷).

شیخ طوسی و دیگر محدّثین امامیه، از این کتاب روایت نقل کرده‌اند. همچنین از مصادر وسائل الشیعة اثر شیخ حرّ عاملی است. وی این کتاب را در زمره منابعی برشمرده که مورد اعتماد هستند و نویسندگان آنها به صحّتشان گواهی داده و قرائن بر ثبوت آنها دلالت دارد و انتساب آنها به نویسندگانشان قطعی است.

نجاشی در رجال خود از این کتاب به عنوان «الزّیارات» و شیخ در فهرست خود به عنوان «جامع الزّیارات» و در سایر آثارش با عنوان «کامل الزّیارة» نام برده است.

آیت الله سبحانی اسامی مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه را به نقل از محدّث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل ذکر نموده است. این اسامی که طبق شمارش محدّث نوری ۳۲ نفرند، به شرح ذیل است:

- ۱- پدرش، محمد بن قولویه ۲- ابوعبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسین زعفرانی
- ۳- ابوالفضل محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان جعفر کوفی، معروف به صابونی ۴- ثقة الاسلام کلینی ۵- محمد بن الحسن بن ولید ۶- محمد بن حسن بن علی بن مهزیار
- ۷- ابوالعباس محمد بن جعفر بن محمد بن الحسن القرشی الرّزازی ۸- محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری قمی ۹- الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی ۱۰- ابوالحسن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه ۱۱- برادرش علی بن محمد بن قولویه ۱۲- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن موسی بن جعفر موسوی علوی ۱۳- ابوعلی احمد بن علی بن مهدی بن صدقة الرّقی بن هاشم بن غالب بن محمد بن علی الرّقی الأنصاری ۱۴- محمد بن عبدالمؤمن المؤدّب القمی ۱۵- ابوالحسن علی بن حاتم بن ابی حاتم القزوینی ۱۶- علی بن محمد بن یعقوب بن اسحاق بن عمار الصّیرفی ۱۷- ابوالحسن علی بن الحسین سعد آبادی قمی
- ۱۸- ابوعلی محمد بن همام بن سهیل ۱۹- ابومحمد هارون بن موسی بن احمد بن سعید بن سعد تلّکبری شیبانی ۲۰- قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی ۲۱- حسن بن زبرقان طبری ۲۲- ابوعبدالله الحسین بن محمد بن عامر بن عمران بن ابی بکر اشعری قمی
- ۲۳- ابوعلی احمد بن ادريس بن احمد اشعری قمی ۲۴- ابو عیسی عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال طایبی بصری ۲۵- حکیم بن داود بن حکیم ۲۶- محمد بن الحسین



۲۷- محمد بن احمد بن علی بن یعقوب ۲۸- ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب بن اسحاق بن عمار ۲۹- ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب^۱ ۳۱- ابوالحسن احمد بن عبدالله بن علی ناقد ۳۲- ابوالحسن محمد بن عبدالله بن علی (نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۱/۳-۲۵۷).

۴- انتساب کامل الزیارات به ابن قولویه

همانطور که قبلاً اشاره شد، کتاب کامل الزیارات، از مهمترین کتاب‌های امامیه و از اصول مورد اعتماد حدیثی است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۷) که نجاشی آن را بر اساتیدش قرائت نموده است. این کتاب از مهم‌ترین کتاب‌های روایت شده از سوی غضائری پدر است. حسین غضائری کتاب‌های زیادی برای شیخ طوسی و نجاشی روایت کرده و این دو دانشمند نیز بعضی از کتب را بر حسین غضائری قرائت نموده‌اند. نجاشی در رجالش به این کار که به مثابه اجازه استاد برای نقل روایات آن کتب است، اشاره کرده است. وی ضمن یادکرد آثار ابن قولویه از جمله کامل الزیارات، که با «الزیارات» از آن نام می‌برد، بیان داشته کتب او را برای اساتیدش ابی عبدالله (شیخ مفید) و حسین بن عبیدالله (غضائری) قرائت نموده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۲۴). اما در سال‌های اخیر نظراتی درباره رد انتساب کتاب موجود به ابن قولویه نوشته شده است. از جمله محمدباقر بهبودی حاشیه مجملی بر روایتی از بحار الأنوار که برگرفته از کامل الزیارات است، نگاشته و همه توضیحات خود در این موضوع را در خلال آن بیان می‌کند. از دیدگاه وی نسخه کنونی کامل الزیارات را حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی، از شاگردان ابن قولویه، با اصل قرار دادن روایات ابن قولویه و اساتید دیگرش نگاشته است. محمدباقر بهبودی برای رد انتساب کتاب کامل الزیارات به ابن قولویه و اثبات دیدگاه خود استدلال‌هایی ارائه داده‌اند. ایشان به دلایلی چون: وجود روایان ضعیف، مجهول، مهمل و مورد طعن

۱. محدث نوری احتمال داده که این شخص با راوی قبلی یک نفر هستند و بلکه سه راوی شماره‌های ۲۷، ۲۸ و ۲۹ یکی هستند.

۲. علامه مجلسی در رابطه با این کتاب می‌گوید: «کتاب کامل الزیارات از اصول معتبر و مشهور میان فقهای شیعه است».

رجالیان در کتاب فعلی کامل الزیارات،^۱ ذکر نام ابن قولویه بعد از القابی همچون «شیخی» و «شیخنا» در متن این اثر (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۰-۲۶۱)^۲، کار بست تعابیر «رحمه الله» و «رضی الله عنه» بعد از نام جعفر بن محمد بن قولویه (همان: ۲۶۷)^۳، مقدم شدن خطبه و تأخیر سند کتاب پس از خطبه (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۱-۲۷۹)^۴ یا تعابیر حاکی از درج زیادات همچون «من زیاده الحسین» و «رجعنا إلى الأصل» در این کتاب و وجود مطالبی در آغاز کتاب که حاکی از وجود ازدیاد عباراتی در متن کتاب است،^۵ استدلال کرده و چنین نتیجه می گیرد که کامل الزیارات کنونی اثر ابن قولویه نیست؛ بلکه نتیجه بازنویسی اثر ابن قولویه توسط یکی از شاگردان او و آکنده از درج ها و اضافات است (بهبودی، ۱۴۰۳: ۵۵/۲۸؛ سرشار، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

۱. روایانی که علمای رجال شیعه در طعن آنان متفق بوده اند و با اشارات رجالی به ضعف آنها اذعان نموده اند شامل موارد زیر می باشند:

- ابوسعید عباد عصفری (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۸۰-۲۸۱-۲۸۴): (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۹۳، طوسی، ۱۴۲۰: ۳۲۲)
- محمد بن سنان (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶-۶۹-۱۱۳-۲۸۳): (بهبودی، ۱۳۶۲: ۲۹۵-۳۰۰)
- عبدالله بن عبدالرحمن اصم (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۷-۸۳-۹۱-۹۳): (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۱۳)
- قاسم بن یحیی (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶): (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۸۶؛ بهبودی، ۱۳۶۲: ۲۹۵-۳۰۰)

۲. الباب الثامن والثمانون فضل كربلاء و زیارة الحسین علیه السلام: للحسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث - رواه شيخه أبو القاسم رحمه الله مصنف هذا الكتاب و نقل عنه و ... وقد ذكرت شيخنا ابن قولويه بهذا الحديث بعد فراغه من تصنيف هذا الكتاب ليدخله. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۰-۲۶۱).

۳. أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُلُوبِهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۷).

۴. أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُلُوبِهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ قَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۱).

۵. وَ مِنْ زِيَادَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ مَا فِي حَدِيثِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا الْقُمِّيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ قَانَدٍ [قَانِدٍ] الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي علیه السلام قَالَ: ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۵۱).

۵- تحلیل و بررسی

با توجه به آنچه ذکر شد، دو دیدگاه درباره انتساب کتاب کامل الزیارات به ابن قولویه وجود دارد: یکی دیدگاه کسانی که آن را بی هیچ اشکالی اثر ابن قولویه تلقی کرده و دیگری دیدگاه آقای بهبودی است که با استناد به شواهدی چند، فرضیه تألیف کتاب کامل الزیارات کنونی به دست حسین بن احمد بن مغیره بوشنجی را مطرح می‌کند و معتقد است که کامل الزیارات کنونی باز نوشته اثر ابن قولویه به دست بوشنجی است.

در جمع‌بندی و نقد دلایل قائلین رد انتساب کتاب فعلی کامل الزیارات به ابن قولویه، می‌گوییم: اگر با اعتماد به قول رجالیان به وجود کتابی تألیف ابن قولویه درباره زیارت امامان شیعه علیهم‌السلام معتقد باشیم، نباید اثر کنونی در دسترس را به تمامی از آن بوشنجی بدانیم؛ زیرا بنا بر شواهدی از درون متن، متن روایی موجود دچار افزایش شده است. اما این درج و افزایش در متن کنونی، اندک و تعداد این اضافات کلاً پنج مورد است که متعلق به بوشنجی بوده و این کار را پس از درگذشت استادش ابن قولویه انجام داده است. پس اینگونه اضافات و اشکالات مربوط به اصل کتاب نیست، بلکه مربوط به نسخه است. راوی نسخه معمولاً از عبارات دعایی استفاده می‌نماید و یا در همان اضافه‌ها کلمات شیخی، شیخنا و امثال اینها را به کار می‌برد. بنابراین هیچ یک از این ادله مذکور تمام نیست و باید ادله روشن‌تری برای رد انتساب ارائه گردد.

۵-۱- تحلیل و ارزیابی وثاقت راویان اسناد کامل الزیارات

محدثان و رجالیون درباره مسأله وثاقت راویان اسناد کامل الزیارات اختلاف نظر دارند و استدلال‌ها و مباحث دامنه‌داری را مبنی بر تأیید یا رد آن مطرح کرده‌اند. قرار گرفتن این کتاب به عنوان یکی از مصادیق توثیقات عام و بروز اختلاف نظرها غالباً ناشی از عباراتی است که در مقدمه کتاب در این خصوص به چشم می‌خورد. ابن قولویه در مقدمه کتاب کامل الزیارات عبارتی در مورد وثاقت راویان زنجیره اسناد کتاب بیان نموده است. ایشان در اول کتاب خود می‌گوید:

«لم أخرج فيه حديثاً روى عن غيرهم إذا كان فيما روينا عنهم من حديثهم ص - كفاية عن حديث غيرهم وقد علمنا أنا لا نحيط بجميع ما روى عنهم في هذا المعنى ولا في غيره لكن ما

وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته ولا أخرجت فيه حديثاً روى عن الشاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم وسميته كتاب كامل الزيارات» (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۴).^۱

با توجه به دلالت مستند توثیق، درباره وثاقت روات کامل الزیارات اقوال متعددی وجود دارد. نظرات متعدّد را در سه گروه می توان دسته بندی کرد:

الف) وثاقت همه راویان کتاب.

ب) وثاقت راویان بی واسطه ابن قولويه.

ج) عدم پذیرش توثیق (قرائات گوناگون از مقدمه).

۵-۱-۱- نظریه توثیق و مستند آن

کسانی که برای اثبات موثق بودن همه راویان کتاب ابن قولويه به عبارات مقدمه استدلال می کنند، به این قسمت از متن مقدمه تکیه می کنند که:

«لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا ولا أخرجت فيه حديثاً روى عن الشاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم». (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۴)

و اینگونه تلقی نموده اند که منظور شهادت بر ثقه بودن همه راویان کتابش است و وی به مشهور به علم و حدیث بودن افراد مورد شهادت گواهی داده است.

۵-۱-۲- ادله قائلین به نظریه توثیق

افرادى که وثاقت همه راویان کتاب را پذیرفته اند، ادله ذیل را بر دلالت عبارت مقدمه ارائه می دهند:

دلیل اول: عبارت ابن قولويه شامل همه کسانی است که در سند روایات واقع شده اند،

۱. در آن کتاب حدیثی که از غیر ایشان (امامان علیهم السلام) باشد، نیآورده ام. چرا که آنچه از احادیث ایشان روایت می کنم، کفایت کننده از حدیث غیر ایشان است و این در حالی است که علم داریم قطعاً ما به جمیع آنچه از ایشان در این موضوع و دیگر موضوعات روایت شده احاطه نداریم. لکن بر آنچه از جانب موثقان از اصحاب ما به ما رسیده است، احاطه داریم و در آن حدیثی از راویان شاذی که نامشان ذکر شده، ولی معروف در نقل روایت و مشهور به حدیث و علم نیستند، نیآورده ام و آن را کتاب کامل الزیارات نامیدم.

منظور از همه، مشایخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و غیر مشایخ اوست. دلیل دوم: اگر بنا بر توثیق مشایخ به تنهایی باشد، معنای مستفاد از مستند توثیق این است که مشایخ وی ثقه هستند. اما سایر روات ثقه نبوده و ضعیفند. در این صورت توثیق مشایخ به تنهایی فایده‌ای ندارد و اساساً سندی که ضعیف باشد، توثیق مشایخش سودی نخواهد داشت و روایتی که فقط بعضی از راویانش (مشایخ بی‌واسطه) ثقه باشند و بقیه ثقه نباشند، قابل اعتماد نیست.

دلیل سوم: معنای «و قد علمنا أنا لا نحیط بجميع ما روی عنهم فی هذا المعنی ولا فی غیره لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته»، این است که قطعاً ما به جمیع آنچه از ایشان، یعنی امامان علیهم السلام، در این موضوع و دیگر موضوعات روایت شده احاطه نداریم، اما احاطه بر روایات منقول از ثقه، به دلیل اندک بودنشان، ممکن است. با این بیان، روشن می‌شود که توثیق مؤلف به همه رجال اسناد وی بر می‌گردد.

دلیل چهارم: ابن قولویه به روشنی تصریح کرده است که از رجال غیر معروف به روایت و شاذ نقل نکرده است.

دلیل پنجم: اطلاق لفظ اصحاب بر مشایخ، خلاف اصطلاح رایج است؛ چون ابن قولویه در مقدمه کتاب گفته: «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته» که عبارت اصحابنا، همه روات را اعم از مشایخ و غیره شامل می‌شود و اگر قرار بود که فقط مشایخ را شامل شود باید می‌گفت: «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من مشایخنا». پس اگر می‌خواست فقط مشایخ را توثیق کند کلمه اصحاب را بکار نمی‌برد. (فقهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۷)

با ادله فوق، برخی، توثیق عام همه راویان کامل الزیارات را صحیح دانسته‌اند. شیخ حرّ عاملی و آیت الله خوئی از جمله کسانی هستند که این نظریه را پذیرفته‌اند.

۵-۲- آیت الله خویی و نظریه توثیق

از نظر آیت الله خویی در معجم رجال الحديث عبارت مقدمه کتاب به خوبی روشن می‌کند که ابن قولویه در کتاب خود هیچ روایتی را جز به واسطه ثقات بازگو نکرده است. آیت الله خویی پس از بیان دیدگاه صاحب وسایل مبنی بر رسا بودن سخن ابن قولویه بر ثقه بودن

همه راویان، ذکر می‌کند که آنچه صاحب وسایل بیان کرده کاملاً متین است، پس باید به وثاقت روایتی که «علی بن ابراهیم» یا «جعفر بن محمد بن قولویه» شهادت داده‌اند، حکم نمود، مگر اینکه با معارضی مواجه شود. همچنین بعضی از علما این توثیق را به مشایخ جعفر بن محمد بن قولویه اختصاص داده‌اند که خلاف ظاهر عبارت است. بنابراین آیت‌الله خویی به وثاقت همه راویان زنجیره اسناد کامل الزیارات حکم می‌دهد. (خویی، ۱۴۱۰: ۵۰/۱؛ فقهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۷)

بیانات آیت الله خویی در مقدمه معجم الرجال را می‌توان اینگونه دسته‌بندی کرد:

- راویان روایات کامل الزیارات، فقط از ثقات هستند.
- تأیید نظرات شیخ حرّ عاملی مبنی بر وثاقت همه راویان کتاب.
- وثاقت راویانی که ابن قولویه شهادت به وثاقتشان داده در صورت عدم داشتن معارضی در توثیق.
- تخالف با ظاهر مستند توثیق در صورت انحصار شهادت ابن قولویه تنها به مشایخ بی‌واسطه‌اش.

۵-۲-۱- آیت الله خویی و استدراک نظریه صحت اسناد کامل الزیارات

از آیت الله خویی نوشته‌ای با عنوان «استدراک نظریه صحت اسناد کامل الزیارات» چاپ شده است. ایشان درباره عدول از نظریه توثیق عام راویان کامل الزیارات، بیان داشته است: پس از دیدن روایت‌های کامل الزیارات و بررسی سلسله اسناد، معلوم شد که بسیاری (چه بسا بیش از نیمی از روایات کتاب با صفاتی که ابن قولویه در مقدمه ذکر می‌کند، انطباق ندارند؛ به این دلیل که روایات زیادی مبتلا به ارسال، قطع و رفع‌اند. روایاتی هم موجودند که به معصوم علیه السلام منتهی نشده‌اند؛ برخی از غیر اصحابنا هستند، همانگونه که پاره‌ای از راویان مهممل و مجهول که در کتب رجالی ذکری از ایشان نیامده است، در این کتاب دیده می‌شود. یا برخی همچون «حسن بن علی بن ابی عثمان» و ... مشهور به ضعف‌اند. واضح است مقدمه کامل الزیارات، با این موارد سازگاری ندارد. اگر مراد ابن قولویه، توثیق همه افراد موجود در سند کتابش و عدم نقل از افراد شاذ غیر معروف در علم و حدیث باشد، به منظور حفظ سخن وی می‌گوییم هدف او نقل از مشایخ ثقه است. در نتیجه ناچاریم از آنچه در قبل گفتیم برگردیم

و توثیق را به اساتید بلاواسطه اختصاص دهیم». (طباطبایی قمی، ۱۳۹۴: ۱۰/۱۹۲؛ عرفانیان یزدی، ۱۳۷۷: ۱۵۳)

علاوه بر این نوشته، در مجموعه استفتائاتشان که در کتاب صراط النجاة آمده است، وی به اختصاص توثیق در مورد مشایخ بی‌واسطه در اسناد کامل الزیارات اشاره نموده است. (تبریزی، ۱۳۸۵: ۲/۴۵۷)

در استدراک آقای خوبی از نظریه صحت اسناد کامل الزیارات، نکات ذیل قابل تأمل است:

نکته اول: در این تحقیق مبنای ایشان در مقدمه سوم معجم رجال الحديث نقد و بررسی شده است. زیرا هر چند کامل الزیارات، کتاب فقهی نیست، لیکن در صورت قبول توثیق عام راویان کتاب، این پذیرش تأثیر فوق‌العاده‌ای در کتاب الطهارة تا کتاب الدیات فقه خواهد گذاشت و چون مبنای آیت الله خوبی در مقطعی این چنین بوده است به نقد آن پرداخته شده است.

نکته دوم: با توجه به اصلاحاتی که توسط برخی شاگردان آیت الله خوبی روی معجم رجال الحديث صورت گرفته است، باید نظراتشان در مقدمه سوم درباره راویان باواسطه و ثمرات این نظریه در سایر کتب و آثار آیت الله خوبی مورد تتبع، مذاقه و بازبینی قرار گیرد. نکته سوم: با عدول ایشان از نظریه توثیق عام راویان کامل الزیارات، دیدگاه اخیر در دسته دوم تقسیم‌بندی فوق (وثاقت راویان بی‌واسطه ابن قولویه) ملحوظ است.

۵-۳- وثاقت راویان بی‌واسطه ابن قولویه

گروهی دیگر که در ادامه بحث به نظرات آنها اشاره خواهد شد، گستره شمول مستند توثیق را به مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه محدود دانسته‌اند و این دلایل را ارائه می‌کنند:

دلیل اول: از آنجایی که امکان دسترسی به توثیق معاصران سهل است، اما درباره راویان گذشته، مشکل است و همچنین شناخت مؤلف نسبت به مشایخ بی‌واسطه‌اش دقیق‌تر است تا سایر راویان، انتظار این است که ابن قولویه در صدد اثبات وثاقت مشایخ خودش باشد.

دلیل دوم: شیوه قدما در تقیید به عدم نقل بی‌واسطه از ضعفا و جواز نقل باواسطه از اینگونه راویان در تقویت این دیدگاه مؤثر است.

دلیل سوم: بسیاری از مشایخ با واسطه مؤلف به علم و حدیث اشتها ر ندارند و افرادی در اسناد روایات ذکر شده‌اند که از رجال شاذ هستند و تنها جایی که از آنها روایت نقل شده کتاب کامل الزیارات است و در غیر این کتاب نامی از آنها برده نشده، پس می‌توان گفت عدم ذکر نام این اشخاص در غیر این کتاب با معروفیت و وثاقت آنها سازگار نیست.

دلیل چهارم: در این کتاب راویانی هستند که تعداد اندکی روایت از آنها در این کتاب ثبت شده و این امر خود با معروف بودن در روایت سازگار نیست. (رحمان ستایش، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۰)

دلیل پنجم: در صورت پذیرش توثیق کلیه راویان کتاب با شواهد متناقضی مواجهه هستیم. وجود راویانی که از جانب دانشمندان رجالی مورد طعن واقع شده‌اند یا راویان مجهول و مهمل که در بین مشایخ با واسطه قرار دارند.

دلیل ششم: اگر ادعا شود گستره شمول عبارت مقدمه در توثیق مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه خالی از ظهور است، از آن طرف هم نمی‌توان گفت ظاهر آن بر توثیق همه راویان دلالت دارد و باید قدر متیقن که همان توثیق مشایخ بی‌واسطه است، را در نظر گرفت. بنابراین فقط ۳۰ نفر مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه از مجموع ۳۸۸ راوی اسناد این کتاب از مصادیق توثیق عام هستند و درباره هیچ یک از این ۳۰ نفر نیز مورد نقضی وجود ندارد که ضعف قطعی آنها را نشان دهد (رحمان ستایش، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۰).

آیت الله مسلم داوری دلالت عبارت مقدمه را نشان‌دهنده این مطالب می‌داند که حکم به وثاقت روات متوقف بر سه شرط است: اولاً اینکه، راوی از «ما» باشد یعنی اینکه از عامه نباشد، هر چند راوی شیعه، غیر امامی باشد. دوماً، سند روایت باید متصل باشد، بنابراین روایات مقطوع و مرسل از مجموعه روایات این کتاب خارج می‌شوند. سوماً، روایت باید به معصوم منتهی شود؛ بنابراین هر آنچه که به غیر معصوم منتهی شود، خارج می‌گردند. وی جمله مقدمه را شاهد بر این می‌داند که آنچه به معصومین علیهم‌السلام از طریق ثقات منتهی می‌گردد، روایات صحیح هستند و رواتش با شروط بالا، ثقه هستند. (صالح المعلم، ۱۴۱۶: ۱۸۳-۱۸۵)

به نظر آیت الله مسلم داوری ظاهر واژه «وقع» به معنای «وصل» است. همانطور که ممکن است در موارد دیگری نیز ظهور داشته باشد. همچنین از نظر وی نمی‌توان گفت که عبارت



مقدمه شهادت بر ثقه بودن جمیع روات کتاب است، بلکه با تأمل در کتاب و روایاتش در می‌یابیم که بسیاری از رجال واقع در اسناد کتاب معروف به علم یا مشهور به حدیث نیستند، بلکه بعضی از آنها غیر از این کتاب در جای دیگری ذکر نشده‌اند. روایات بعضی نیز بسیار کم است. مضاف بر اینکه بعضی از روایات نیز از زنان وارد شده که با شهادت مؤلف مبنی بر مشهور بودن بر وثاقت، هماهنگی ندارد. بنابراین این شهادت شامل جمیع روات کتاب نمی‌شود. همچنین بعضی از روایات، مقطوع و بعضی مرفوع هستند. بعضی نیز منتهی به معصوم نمی‌شوند. بعضی نیز شامل افراد مهملی چون «حسن بن علی بن عثمان» و «محمد بن مهران» که مشهور به ضعیفند، می‌شوند. بنابراین شهادت ابن قولویه فقط بر مشایخ خود بوده است. (صالح المعلم، ۱۴۱۶: ۱۸۳-۱۸۵)

آیت الله باقر ایروانی نیز قدر متیقن معنای مستفاد از عبارات مقدمه را، اراده ابن قولویه برای توثیق مشایخ بی‌واسطه‌اش می‌داند. (ایروانی، ۱۳۶۳: ۳۵)

۵-۳-۱- آیت الله سبحانی و نظریه وثاقت راویان بی‌واسطه ابن قولویه

آیت الله سبحانی نیز به سخن محدث نوری استناد کرده و بر این عقیده است: «اینکه ادعا می‌شود عبارت مقدمه کتاب را می‌توان آشکارا به وثاقت همه راویان سلسله سند تعمیم داد، صحیح نیست. بلکه واقع همان کلام مرحوم نوری مبنی بر توثیق مشایخ مستقیم خود ابن قولویه است، نه تمامی روات موجود در کتابش.» (سبحانی، ۱۴۳۲: ۳۰۰-۳۰۱). نوری در کتاب مستدرک الوسائل ضمن بیان این نکته می‌گوید این کلام ابن قولویه نشان‌دهنده توثیق همه راویانی است که وی از آنها روایت اخذ نموده است و بیانگر شهرتشان در روایت و مقام علمی آنهاست و در توثیق، تفاوتی میان توثیق فردی یا توثیق همگانی تحت عنوان خاص نیست. و در جایی دیگر نیز اشاره نموده است از جمله امارات کلی بر وثاقت یک راوی، قرار داشتن وی در بین مشایخ جعفر بن قولویه در کتاب کامل الزیارات است. (سبحانی، ۱۴۳۲: ۳۰۱-۳۰۲)

۵-۳-۲- ادله آیت الله سبحانی بر وثاقت راویان بی‌واسطه ابن قولویه

دلیل اول: عبارت «من أصحابنا رحمهم الله برحمته» که در آن ابن قولویه خواستار رحمت خداوند برای اصحاب خویش شده است، به دلیل وجود راویان واقفی و فطحنی مذهب در این

کتاب، نمی تواند دالّ بر وثاقت کلیّه روایان سلسله سند باشد. به این دلیل که این گروه از روایان استحقاق طلب رحمت الهی به ویژه از چنین شخصیت وارسته ای را ندارند و این قرینه ای است بر این که مراد از «اصحابنا» مشایخ ابن قولویه است (سبحانی، ۱۴۳۲: ۳۰۳). در اینجا دو تن از این روایان و اشارات رجالی علمای رجال درباره آنها ذکر می شود:

- «عَلِيُّ بْنُ أَصْبَاطٍ» در حدیث هفتم از باب بیست و پنجم:
عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۴۷).

نجاشی درباره اش گوید: «ثَقَّةٌ وَكَانَ فَطْحِيًّا» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۵۲). کشی نیز او را از فقهای فطحیه بر می شمرد:

«قال محمد بن مسعود عبد الله بن بكير و جماعة من الفطحية هم فقهاء أصحابنا منهم ابن بكير و ابن فضال يعني الحسن بن علي و عمار الساباطي و علي بن أسباط و...» (کشی، ۱۳۴۵: ۳۴۸).

و در جای دیگر او را تا آخر عمر بر این مذهب قلمداد نموده است:
«كان علي بن أسباط فطحيا و لعلي بن مهزيار إليه رسالة في النقض عليه مقدار جزء صغير قالوا فلم ينجع ذلك فيه و مات على مذهبه.» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۶۲).
اگر چه ابن داود با استناد به برخی عبارات نجاشی معتقد است که نمی توان «علی بن اسباط» را تا آخر عمر معتقد بر مذهب فطحیه دانست (ابن داود، ۱۳۸۳: ۴۸۱).

- «عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْرَةَ» در حدیث سوم از باب سی و ششم:
حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي صِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۸).
شیخ طوسی درباره اش گوید: «علی بن ابی حمزة البطائنی، واقفی المذهب. له أصل» (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۸۳). کشی نیز درباره ایشان می گوید: «قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْرَةَ كَذَّابٌ مُتَّهِمٌ.» (کشی، ۱۴۰۳: ۴۰۹؛ بهبودی، ۱۳۶۲: ۲۴۵).

دلیل دوم: ابن قولویه در باب هشتم کامل الزیارات از «لیث بن ابی سلیم» که بی شک

عامی مذهب است، روایت نقل کرده است. همانطور که از افرادی که اعتمادی به نقل از آنها نیست و یا در وثاقتشان اختلاف است، مانند «علی بن ابی حمزة بطائنی» و «حسن بن علی بن ابی حمزة بطائنی» (بهبودی، ۱۳۶۲: ۱۹۴ و ۲۴۵)، «عمر بن سعد» و برخی همسران پیامبر ﷺ روایت آورده است.

دلیل سوم: سیره پیشینیان بر این بوده است که حدیث را تنها از افراد موثق اخذ می‌کردند و توجه ویژه ایشان به استاد خویش بوده تا به شخصی که استاد از او روایت کرده است. در این صورت اگر یک راوی از راوی مجهول و ضعیف روایت نقل کند، عاملی است برای جرح وی، در حالی که اگر در سند روایت، افراد مجهول و ضعیف وجود داشته باشد، از اسباب جرح نخواهد بود. همه این عوامل مؤید نظر محدث نوری است. بیشتر کسانی که با این برداشت مخالف هستند، عمومیت آن را به خاطر راویان باواسطه رد می‌کنند و دلیل اصلی مخالفت آنان به خاطر وجود راویان ضعیف، مهمل و مجهولی است که این قولویه باواسطه از آنها نقل می‌کند و بدین جهت نمی‌توانند شامل استرحام ابن قولویه قرار گیرند؛ همانگونه که وی آنان را با عدم اشتها به حدیث و علم توصیف نموده است (سبحانی، ۱۴۳۲: ۳۰۳؛ آصف محسنی، ۱۴۳۲: ۵۵). در اینجا به چند نمونه از روایات مذکور در کامل الزیارات اشاره می‌شود که در سلسله سند آنها برخی افراد ضعیف، مهمل و مجهول قرار دارند و از سوی رجال یون متقدم تضعیف شده‌اند:

در باب سی و یکم تحت عنوان نوحه سرایی و ذکر مصیبت نمودن جغد بر حضرت امام حسین ﷺ روایتی با این سلسله سند ذکر شده است:

«حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُيَيْدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۹).

به نظر می‌رسد فارغ از مباحث فقه الحدیثی و با توجه به آنچه که به بحث مقاله در باب توثیق همگانی رجال کامل الزیارات مطرح است باید گفت که در سند روایت مذکور نام «الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ» دیده می‌شود که نجاشی در رجال خود هیچ یک از الفاظ مدح و تقویت از قبیل ثقه، عین، عدل و... درباره اش به کار نبرده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۵).

شیخ طوسی نیز در الفهرست تنها عبارت «له اصل» را در مورد وی به کار می‌برد اما سخنی از مدح در مورد او بیان نمی‌کند. (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۵۲).

در روایت دیگری که مضمون آن شبیه همین روایت است سلسله سند چنین است:
* «حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ صَاعِدِ الْبَرْبَرِيِّ قِيَمًا لِقَبْرِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: ...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۹).

در سند روایت مذکور نام «سَلَمَةَ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ» وجود دارد که با یک واسطه به ابن قولویه می‌رسد. در حالی که این شخص یعنی «سَلَمَةَ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ» از سوی نجاشی به وضوح تضعیف شده است. نجاشی می‌گوید: «كان ضعيفا في حديثه» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۸۷). شیخ طوسی در فهرست و رجال خویش تنها به ذکر کتب وی اکتفا نموده و سخنی از جرح یا تعدیل وی بیان ننموده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۲۵؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۴۲۷)، غضائری نیز وی را «ضعیف» برشمرده است (غضائری، ۱۳۶۴: ۶۶)، ابن داود و علامه حلی نیز سخنی چون نجاشی در ضعف وی بیان داشته‌اند (ابن داود، ۱۳۸۳: ۴۵۸؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۲۷).

در روایت دیگری در باب سی‌ام تحت عنوان نفرین و لعن نمودن کبوتران در حق قاتلان امام حسین علیه السلام آمده است: «حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَعَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ [عَلِيِّ بْنِ هَازُونَ] عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۹).

نجاشی و شیخ طوسی درباره «إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ» هیچ مدحی ننموده و تنها به ذکر کتاب وی بسنده کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۳؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۱۶۰). برقی نیز در مورد او می‌گوید: «يروي عن العوام» که نشانگر ضعف وی در روایت است (برقی، ۱۳۸۳: ۲۸). ابن داود در موردش می‌گوید: «له كتاب مهمل» (ابن داود، ۱۳۸۳: ۵۵). علامه حلی نیز او را «عامی» معرفی نموده است (حلی، ۱۴۱۱: ۱۹۹). همه اینها نشانگر روش غیر علمی وی در روایت حدیث است. نجاشی درباره «الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ» گفته است: «وقال قوم من القميين إنه غلا في آخر عمره...» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹). شیخ طوسی سخنی از مدح و یا ذم وی به کار نبرده است و تنها به ذکر کتاب وی اکتفا نموده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۵۲؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۳۵۵). ابن داود عبارت «مهمل» را در مورد وی استعمال نموده (ابن داود، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

و در جایی دیگر سخن کشتی را در مورد اتهام غلوّی بیان نموده است (همان: ۴۴۷). علامه حلی نیز اتهام غلوّی را از جانب اهل قم بیان نموده است و می‌گوید: «أما عندی فی روایتہ توقف لمجرد ما نقله عن القمیین و عدم الظفر بتعديل الأصحاب له». (حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۶)

راویان اسناد کامل الزیارات که رجالیون آنها را تضعیف کرده‌اند، عبارتند از: «مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ»^۱، «إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهْأَوْنَدِي»^۲، «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَم»^۳، «الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ»^۴، «عَمْرُو بْنُ شَمْرِ»^۵، «بَكْرِ بْنِ صَالِح»^۶ و

۱. «مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ» در حدیث اول از باب ۷۲ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۰) و یا حدیث دوم از باب ۲۷ (همان: ۸۴). نجاشی و ابن داود درباره‌اش گفته‌اند: «ضعیف فی الحدیث» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۴۰۴؛ ابن داود، ۱۳۸۳: ۵۲۱). ابن غضائری و علامه حلی در مورد وی گفته‌اند: «ضعیف، فی مذهب غلوّ» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۷).
۲. «إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهْأَوْنَدِي» در حدیث سوم از باب ۹۳ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۸۰). نجاشی درباره‌اش گوید: «كان ضعيفاً في حديثه، متوهماً» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۹). شیخ طوسی در الفهرست چنین او را تضعیف نموده است: «كان ضعيفاً في حديثه، متهماً في دينه» (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۶). ابن غضائری در مورد او می‌گوید: «في حديثه ضعف وفي مذهبه ارتفاع و يروي الصحيح و السقيم و أمره مختلط». (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹). علامه حلی نیز با عبارتی شبیه ابن غضائری، او را تضعیف کرده است: «كان ضعيفاً في حديثه، متهماً في دينه و في مذهبه ارتفاع و أمره مختلط لا أعمل على شيء مما يرويه» (حلی، ۱۴۱۱: ۹۸).
۳. «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَم» در حدیث اول از باب ۴۶ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۲۸). نجاشی درباره‌اش گوید: «ضعيفٌ غالٍ، ليس بشيء» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۱۷) ابن غضائری در مورد وی می‌گوید: «ضعيف مرتفع القول. له كتاب في الزيارات ما يدل على خبث عظيم و مذهب متهافت و كان من كذابة أهل البصرة». (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۷۶). علامه حلی نیز در مورد وی، نظر نجاشی و ابن غضائری را تأیید و تأکید کرده است: «ضعيف غال ليس بشيء و له كتاب في الزيارات يدل على خبث عظيم و مذهب متهافت و كان من كذابة أهل البصرة» (حلی، ۱۴۱۱: ۳۸).
۴. «الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ» در حدیث چهارم از باب بیست و ششم (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۱). نجاشی درباره‌اش گوید: فاسد المذهب، مضطرب الرواية، لا يعاب به، له مصنفات لا يعول عليها» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۴۱۶).
۵. «عَمْرُو بْنُ شَمْرِ» در حدیث نهم از باب ۲۵ و نیز حدیث دوم از همان باب (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۷۹). نجاشی درباره‌اش گوید: «ضعيفٌ جداً» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۸۷). ابن الغضائری نیز عبارت «ضعيف» را در جرح وی به کار برده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۷۴). علامه حلی نیز در مورد وی می‌گوید: «روى عن أبي عبد الله عليه السلام و عن جابر و هو ضعيف جداً... فلا أعتد على شيء مما يرويه». (حلی، ۱۴۱۱: ۲۴۱).
۶. «بَكْرِ بْنِ صَالِح» در حدیث دوم از باب ۱۵ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۵۴). نجاشی درباره‌اش گوید: «ضعيفٌ» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۰۹). ابن الغضائری و علامه حلی نیز در جرح وی چنین بیان داشته‌اند: «ضعيفٌ جداً كثير التفرد بالغرائب» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۴۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۷).

به طور کلی مخالفان توثیق فوق با پذیرش ادعای توثیق در خصوص روایان بی واسطه تعداد آنان را تعیین نموده‌اند (همان؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳/ ۲۵۱-۲۵۷). شهید صدر نیز تنها وثاقت مشایخ ابن قولویه را می‌پذیرد. وی بیان می‌کند که بدین ترتیب برخی از مشایخ در شمار معاریف و مشاهیر قرار می‌گیرند؛ هر چند توثیق خاص نداشته باشند. یکی از مشایخ کامل الزیارات که توثیق خاص ندارد، «علی بن حسین بن سعدآبادی» است که نام او در نزدیک به ۴۷ طریق از کتاب‌های «شیخ صدوق» آمده است. «احمد بن محمد بن مهدی ابن صدقه» نیز از دیگر اساتید ابن قولویه است که شرحی در کتب رجال ندارد، ولی در طریق روایت‌های دیگری غیر از طریق کامل الزیارات به فراوانی یافت می‌شود. مانند کتب: کفایة الأثر فی النّص علی الأئمة الإثناعشر، شواهد التنزیل لقواعد التّفصیل و بشارة المصطفی لشعبة المرتضی که در اسنادشان «ابن صدقه» آمده است.

شبیری زنجانی در مقاله «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت روایان» بیان می‌کند که ابن قولویه تنها به وثاقت و امامی مذهب بودن مشایخ مستقیم خود شهادت می‌دهد. افزون بر این از مقدمه برمی‌آید که ابن قولویه در مشایخ با واسطه از روایان شاد نقل نمی‌کند؛ مگر اینکه واسطه این نقل، روایان مشهور باشند (شبیری زنجانی، ۱۳۹۷: ۵).

۵-۳-۳- آیت الله السّند و نظریه وثاقت اسناد کامل الزیارات

از دیگر عالمانی که متعرض بحث توثیقات عام شده‌اند، محمد صالح التبریزی مشهور به آیت الله السند است که آن را در کتاب بحوث فی مبانی علم الرجال شرح و بسط داده است. آیت الله السند در بخش‌هایی از کتاب به بحث اعتبار، منشأ و جایگاه توثیقات عام و در ذیل آن به عنوان یکی از مصادیق بارز این قبیل توثیقات رجالی، صحّت و اعتبار اسناد کامل الزیارات را مورد پردازش قرار داده است. وی در خصوص اعتبار اسناد این کتاب چنین می‌گوید:

حيث قال في أوّل كتابه: «حتّى أخرجته وجمعت عن الأئمة عليهم السلام من أحاديثهم، ولم أخرج فيه حديثاً رُوي عن غيرهم، إذ كان في ما روينا عنهم من حديثهم كفاية عن حديث غيرهم، وقد علمنا أنّا لا نحيط بجميع ما رُوي عنهم في هذا المعنى ولا في غيره، لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته ولا أخرجت فيه حديثاً رُوي عن الشذاذ من الرجال

يُؤثّر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم. (تبریزی، ۱۴۲۹: ۱۵۱)

آیت الله السّند در میانه پاسخگویی به ادعای صحّت احادیث کتب اربعه با استناد به سخن نویسندگان آنها در مقدّمه اثرشان که احادیث کتاب خود را از حیث اعتبار و صحّت، توصیف نموده اند، می گوید: «تفاوت فاحش و فرق بزرگی هست میان وثاقت کتاب و وثاقت مشایخ صاحب کتاب و نیز کتبی که مصنّف به آنها به عنوان مأخذ و منبع، اعتنا و اعتماد نموده است. همینطور اعتبار خود کتاب مطلبی است و حجّیت و عدم حجّیت و اعتبار طرق گوناگون روایات موجود در کتاب که به معصوم ختم می شود، مطلبی دیگر ...» (همان: ۴۵-۴۶).

به عبارت بهتر در اینجا تفاوت واضحی بین اعتبار کتب در برابر جعل و تدلیس و اعتبار طرق همان کتب در برابر ضعف طرق وجود دارد. نظیر آنچه در مقدّمه کامل الزّیارات و یا عبارت «علی بن ابراهیم قمی» در تفسیرش به چشم می خورد. و یا مانند تعبیر کلینی از روش و دقتش در دیباچه الکافی و نیز سخن ابن بابویه در الفقیه و بیان شیخ طوسی در التهذیب در مقدّمه هایشان (همان). دأب و عادت مؤلّفان در تدوین کتبشان اعتماد به مصادر و اصل هایی بوده است که در آنها شبهه جعل و تحریف نباشد و در انتساب آن به صاحبانشان اطمینان حاصل شود. و این بر حسب ظواهر علمی بوده که نزد ایشان ایجاد می شده است. و در خلال همین دوران یعنی عصر فترت بین اصول و جوامع دو قرن اول و جوامع متقدّم مجال تصفیه و تنقیه حدیث ایجاد شد و احادیث مدسوس و موضوع از دیگر احادیث جدا شد و احادیث به ضعیف و اقسام آن و صحیح و ... منقسم گردید (تبریزی، ۱۴۲۹: ۱۵۱).

سپس آیت الله السّند با نقل قولی از صاحب وسائل می گوید صاحبان کتبی که در مقدّمه آثارشان بر صحّت احادیث روایت شده پای فشرده اند، بین اعتبار و وثوق روایات نقل شده از مشایخ و صحّت انتساب آنها به معصوم تفاوت قائل شده است:

«ثم ذكر صاحب الوسائل عبارة كلّ من علي بن إبراهيم في تفسيره وجعفر بن محمد بن قولويه في كامل الزيارات من أنّهما أخرجا في كتابيهما الأحاديث المروية عن الثقات عن الأئمة عليهم السلام. وذكر صاحب الوسائل أنّ أكثر أصحاب الكتب قد ذكروا في أوائل كتبهم أو أواخرها أو أثنائها نظير عبارتيهما، ثم أشار إلى كلام الشيخ في العدة بنحو ذلك. أقول: لا يخفى

إنطبق ما ذكره من القرائن على تصحيح الطرق إلى المشيخة والكتب لا تصحيحها إلى المعصومين عليه السلام. (همان: ۵۹). مثل العبارتين المتقدمتين في عبارة علي بن إبراهيم في مقدمة تفسيره، من توثيق الروايات التي يذكرها فيه إنها عن الثقات، ومثلها عبارة ابن قولويه في كامل الزيارات، إن مقصودهما منها هو نفى الروايات الموضوعة والمدسوسة عما أخرجاه من روايات في كتابيهما، لا أنها في صدد التوثيق لكل السند، فهذا الإصطلاح في جانب الرواية والإعتماد أو في جانب عدم الرواية والتحرّج من نقلها هو فيصلة بين المدسوس وغيره، والموضوع وغيره» (همان: ۱۴۷).

نهایتاً آیت الله السّند چنین نتیجه گرفته است که مقصود ابن قولویه، از عبارتی که در باب توثیق روایات کتابش آورده است، نفی کتاب خود از مشتمل بودن بر روایات موضوعه و مدسوسه و ... است و وی در صدد توثیق تمام سلسله سند نیست (تبریزی، ۱۴۲۹: ۱۵۱).

۵-۴- عدم پذیرش توثیق (قرائن گوناگون از مقدمه)

در این دیدگاه دلالت عبارت مقدمه بر توثیق مشایخ ابن قولویه یا کلیه راویان نفی می‌گردد و قرائت‌های گوناگونی از آن ارائه می‌دهند. طبق یکی از قرائت‌های این دیدگاه، معنای استفاد از عبارت مقدمه کامل الزیارات عدم نقل روایت از روات ضعیف و مجروح است، مگر در صورتی که راویان شهره به علم و حدیث که به نقد حدیث ممتازند و در شمار ناقدان بزرگ حدیثی محسوب می‌گردند، آن روایت را نقل کرده باشند. یعنی هر چند راویان ضعیف روایتی را نقل کرده‌اند، اما از منظر ابن قولویه نقل آن توسط مشاهیر ناقد دلیل مکفی بر اعتماد به روایات شذاذ الرجال است. بنابراین براساس این دیدگاه مفهوم عبارت منظور در مقدمه ابن قولویه این چنین است: از راویان شاذ حدیثی روایت ننموده‌ام، مگر اینکه آن حدیث از طریق مشاهیر ناقد در علم و حدیث نقل شده باشد.

آصف محسنی با تشکیک در معنای مورد نظر آیت الله خویی مبنی بر توثیق همه راویان زنجیره اسناد کامل الزیارات، پذیرش معنای مورد قبول وی را مساوی با توثیق ۳۸۸ راوی کتاب ابن قولویه می‌داند که بسیاری از روات کذاب و فاسد المذهب احادیث کامل الزیارات را در شمار ثقات قرار می‌دهد. آصف محسنی با استناد به سخن آیت الله سیستانی، دلالت عبارت مورد بحث را بر این می‌داند که ابن قولویه احادیث روات ثقه پیش از خویش را که از افراد



ضعیف و مجروح نقل کرده‌اند، در کتابش آورده است. اما خود مستقیماً از مجروحان و ضعفا نقل نکرده است (آصف محسنی، ۱۴۲۳: ۶۴).

آقای صرامی نیز بر این عقیده است که از آنجایی که ابن قولویه روایات معصومین را کافی می‌داند، این کافی بودن زمانی محقق می‌شود که آن روایت حجت باشد و از طرفی حجّت با نقل از ثقات محقق می‌گردد. به این ترتیب، عبارت ابن قولویه چنین معنا می‌شود: اگر گفته شود احادیث معصومین علیهم‌السلام برای ما کفایت می‌کند، منظور احادیثی است که حجّت‌اند و معیار حجّت هم نقل از ثقات است و روشن است که چنین سخنی، بر نقل همه روایات کتاب از راویان ثقه و حجّت آنها دلالت ندارد. بنابراین با وجود نقض‌های بسیار درباره وثاقت راویان با واسطه، نمی‌توان سخن را بر وثاقت روات بلاواسطه حمل نمود و از این طریق پذیرش نقل از راویان بی‌واسطه نیز با چالش مواجه می‌شود. چرا که این نقضها دلیل حجّت نبودن همه روایات کتاب است و همین کافی است تا مؤید این نکته باشد که ابن قولویه درصدد نبوده همه روایت‌های کتابش را حجّت اعلام کند. در واقع صرامی با این بیان به این نکته رهنمون شده که ابن قولویه ضمن اینکه خواسته بیان کند که فقط روایت‌های کتابش از معصومان علیهم‌السلام نقل شده، به این نکته تنبیه داده که البته این ادعا به این معنا نیست که تمام روایاتی که از معصوم نقل شده حجّت است و متذکر این نکته نیز شده است که معیار حجّت احادیث ایشان، نقل از موثقان از اصحاب ماست، اما ابن قولویه در هیچ کجا نقل نکرده که تمام احادیث کتابش منقول از راویان ثقه است و بر نقل همه روایت‌های کتابش از افراد مورد وثوق شهادتی نداده است (صرامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

نتیجه اینکه آقای صرامی معتقدند از عبارات کتاب ابن قولویه وثاقت راویان برداشت نمی‌شود، بلکه فقط گفته‌اند که روایات کتابش از معصوم نقل شده‌اند.

جمع‌بندی

نتایج این پژوهش عبارتند از:

- ۱- در باب توثیق عام راویان کتاب کامل الزیارات ابن قولویه، دیدگاه آیت الله خویی مبنی بر وثاقت همه راویان کتاب رد می‌گردد. هرچند ایشان نیز بعدها از این دیدگاه خود برگشته‌اند.

۲- استدلال آیت الله سبحانی مبنی بر وثاقت یا عدم وثاقت اسناد کامل الزیارات که برگرفته از دیدگاه محدث نوری نیز می باشد، از دقت نظر و ظرافت و عمق بیشتری برخوردار است. چرا که توثیقات همگانی نمی تواند مطلق باشد و قطعاً استفاده از قرائن و شواهد گوناگون در تعیین کیفیت و کمیت راویان از جهت وثاقت و اعتبار حائز اهمیت است. خصوصاً دلایل سه گانه ای که ایشان ذکر نمودند، بسیار محل تأمل و دقت است. ضمناً همانطور که ذکر شد، این وثاقت که برآیند توثیقات عامه دیگر مؤلفان نظیر شیخ صدوق و کلینی علیه السلام است، درباره آثار این بزرگان نیز نتوانسته است از منظر اعتباربخشی به روایات از مقبولیت کافی برخوردار باشد و می بینیم که غالب صاحب نظران حتی روایات معتبرترین جوامع حدیثی را نیز منوط به توجه به سایر مباحث درایة الحدیثی و فقه الحدیثی و موکول به منابع رجالی معتبر می نمایند.

۳- به نظر نگارندگان، نمونه روایاتی که در این مقاله ذکر شد و سایر نمونه ها حاکی از آنست که نمی توان تنها به صرف بودن در زنجیره کتاب کامل الزیارات، به وثاقت و اعتبار افراد زنجیره کتاب حکم داد. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که پژوهشگر در هنگام مطالعه بسیاری از افراد زنجیره، شاهد توثیقات رجالیون بخصوص نجاشی درباره آنها بود. یعنی بر وثاقت غالب افراد سلسله کامل الزیارات گواهی داده شده است، اما این مطلب را نمی توان به تمام اسناد تسری داد. همچنین، بر اساس دیدگاه آیت الله السند، مقصود از وثاقت، نفی کتاب از اشتغال بر روایات موضوعه و مدسوسه و... است و مطابق این دیدگاه ابن قولویه اساساً در صدد توثیق تمام سلسله اسناد نبوده است.

۴- «توثیقات عام» را می توان به عنوان یک قرینه مهم لحاظ نمود اما برای رسیدن به دیدگاهی متقن، ملاک قرار دادن این توثیقات و قطع نظر نمودن از سایر نگرش های رجالی خالی از اشکال نیست و توجه به سائر قرائن نیز لازم و ضروری است. از قبیل مراجعه به کتب تراجم و کتب رجال و دست یافتن به جایگاه راویان از جهت ثقه بودن، ضبط، صداقت، عدم فسق و سایر ویژگی های صحت و اتقان راویان. در نتیجه همان دیدگاه آیت الله سبحانی که برگرفته از دیدگاه محدث نوری است می تواند بهترین تأویل در باب توثیق اسناد کامل الزیارات به حساب آید. یعنی مشایخ بدون واسطه ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات که محدث نوری تعداد آنها را تا سی نفر تتبع نموده است، ثقه می باشند. اما تمامی روایاتی که در اسناد این کتاب قرار دارند، همگی ثقه نیستند.

منابع

١. آصف محسنی، محمد (١٤٣٢ق). بحوث فی علم الرجال. قم: مرکز المصطفی ﷺ العالمی للترجمة و النشر.
٢. ابن داود، حسن بن علی (١٣٨٣ش). رجال ابن داود. انتشارات دانشگاه تهران.
٣. ابن طاووس، علی بن موسی (١٤١٤ق). اقبال الأعمال. مكتب الإعلام الإسلامی.
٤. ابن غضائری، احمد بن حسین (١٣٦٤ش). رجال ابن غضائری. مؤسسه اسماعیلیان.
٥. ابن قولویه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ش). کامل الزیارات. محقق و مصحح: امینی، عبدالحسین، نجف: دارالمرتضویة.
٦. ایروانی، باقر (١٣٦٣ش). دروس تمهیدیة فی القواعد الرجالیة. قم: نشر سعید بن جبیر، چاپ دوم.
٧. برقی، احمد بن محمد (١٣٨٣ش). رجال البرقی. انتشارات دانشگاه تهران.
٨. بهودی، محمدباقر (١٤٠٣). حاشیه بر بحار الأنوار. بیروت: بی نا.
٩. _____ (١٣٦٢ش). معرفة الحديث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشيعة الإمامیة. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
١٠. تبریزی، جواد (١٣٨٥ش). صراط النجاة فی أجوبة الاستفتائات. قم: دارالصدیقة الشهيدة.
١١. تبریزی، محمدصالح (١٤٢٩ق). بحوث فی مبانی علم الرجال. تحقیق: آیت الله الشیخ محمد السند، قم: مكتبة فـدک.
١٢. حلّی، حسن بن یوسف (١٤١١ق). خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال. التحقيق: الجواد القيوي، بی جا، نشر الفقاهه.
١٣. خویی، سید ابوالقاسم (١٤١٠ق). معجم رجال الحديث. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
١٤. رحمان ستایش، محمدکاظم (١٣٨٧ش). توثیقات عام و خاص. تهران: دانشکده مجازی علوم حدیث.

۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۳۲ق). کلیات فی علم الرجال. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
 ۱۶. _____ (۱۳۸۹ش). کلیات فی علم الرجال. مترجمان: علی اکبر روحی و مسلم قلی پور، قم: انتشارات قدس، چاپ پنجم.
 ۱۷. صالح المعلم، محمدعلی (۱۴۱۶ق). أصول علم الرجال بین النظریة و التطبيق. تقرير لبحث الشيخ مسلم الداوری.
 ۱۸. صرامی، سیف الله (۱۳۹۱ش). مبانی حجّیت آرای رجالی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
 ۱۹. طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۳۹۴ش). مبانی منهاج الصالحین. قم: محلاتی.
 ۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ق). رجال. نجف اشرف: انتشارات حیدریّه.
 ۲۱. _____ (۱۴۲۰ق). الفهرست. نجف: المكتبة المرتضویّة.
 ۲۲. عرفانیان یزدی، غلامرضا (۱۳۷۷ش). مشایخ الثّقات. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۲۳. عسقلانی، ابن حجر (۱۳۹۰ق). لسان المیزان. بیروت، مؤسسة الأعلمی.
 ۲۴. فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۱ش). درآمدی بر علم رجال. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
 ۲۵. کشی، محمدبن عمر (۱۳۴۸ش). رجال الکشی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
 ۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ۲۷. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۱۸ق). رجال. قم: انتشارات جامعه مدرّسين حوزه علمیه.
 ۲۸. نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مقاله:**
۲۹. آب لشکری، مجید. «کامل الزیارات». فصلنامه فرهنگ زیارت، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۸۹: ۱۸۸-۱۸۲.
 ۳۰. پاک نیا، عبدالکریم (.). «آشنایی با منابع دست اول شیعه: کامل الزیارات». مجله مبلغان، شماره ۱۰۶، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۹.

۳۱. سرشار، مژگان. «زیادات کامل الزیارات و مسأله انتساب اثر به ابن قولویه». فصلنامه صحیفه مبین، شماره ۵۹، سال ۲۲، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۷۲.
۳۲. شبیری زنجانی، موسی. «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان». مجله پژوهش‌های رجالی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۷.
۳۳. مهریزی، مهدی، محمدباقر حجّتی، محمدعلی ایازی و مهدی الوف (۱۴۰۰ش). «کامل الزیارات نقطه عطفی در مزار نویسی». مجله سفینه، شماره ۷۰.

منابع الکترونیک:

۳۴. نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

